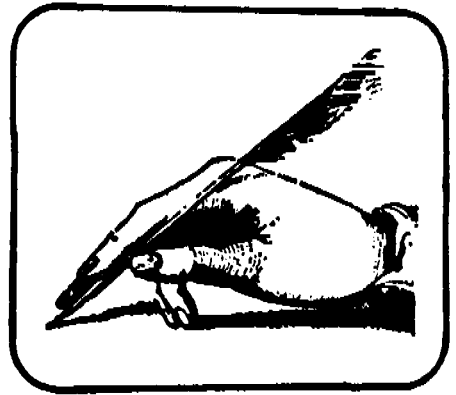


وضع نوجوانان

آقای محمود، ذ مقیم اراک نوشته‌است
من بعنوان یک پدر که حداقل مربی چهار
فرزند خود هستم و سالهای جوانی را با
تجربه آموختن پشت سر گذاشته‌ام و اکنون
خود را در مرز کهنسالی احساس میکنم متأسفانه
باید بگویم که تا کنون نه تشکیلات تربیتی
ما و نه پسران و مادران هیچیک بوظایف
اساسی خود خوب و صحیح عمل نکرده‌اند در
مدارس هم نه فقط تفریحات سالم و آموزنده
برای نوجوانان مفهوم نداشته بلکه حتی
ساعت ورزش محصلین را هم بعدر نداشته
وسيله و جا تعطیل میکردند اکنون چه فکری
برای بهبود بخشیدن و سروسامان دادن به
این وضع نابسامان نوجوانان شده است.

آقای محمود، ذ مردم مملکت ما تازه
پس از سالها خاموشی و زندگی در محیط ترس
و وحشت و خفقان چشم و زبان باز کرده‌اند
و در یک جو آزاد مشغول دیدن و گفتن و فریاد
کشیدن هستند، اکنون آنها چون مرغان از
قفس پریده مشغول شکوه از آنچه بر آنها
گذشته است میباشند و هر کدام با لحنی و
بیانی عیوب گذشته را بازگو مینمایند و در
آغاز راه سازندگی میباشند شما باید در این
برهه حساس از زمان صبور و شکیب باشید و
مجال دهید تا مدیران، دست‌اندرکار با بینش
کافی برنامه‌های سازندگی را تنظیم و به‌موقع
اجرا گذارند مطمئن باشید که وضع تربیتی و



آموزشی فرزندان این مرزوبوم که فرزندان ما و شما هم یکی از آنها هستید به مراتب از گذشته بهتر شده و نیز بهتر خواهد شد، به هر حال فراموش نکنید که ما یک انقلاب عظیم را پشت سر گذاشته ایم و سازندگی عظیم تر از آن را در پیش داریم که باید همه با هم در راه آن همگام و همصدا شویم.

گفتگوی مادر با پسران

خانم فاطمه. ب ساکن شیراز نوشته است دو پسر و یک دختر دارم که دخترم به خانه بخت رفته است اما پسرهایم مدرسه میروند و با من زندگی می کنند من تمام اوقات روزانه ام صرف فراهم آوردن وسایل زندگی و راحتی آنها میشود و روزها همدم و مونسى که با او درد دل و صحبت کنم ندارم، شب که آنها به خانه می آیند بعوض آن که با من صحبت کنند به بحث و گفتگو با یکدیگر می پردازند و اگر من اظهار نظری کنم میگویند تو قدیمی هستی و از دوران حضرت آدم حرف میزنی، میتوانی در گفتگوی ما دخالت نکنی... اگر کوتاه نیایم و کلامی دیگر بگویم مسخره ام می کنند شما بگویید من با آنها به چه طریق رفتار کنم که اینطور مورد بی احترامی آنها نباشم.

خانم عزیز این اختلاف بین مادر و فرزند و پدر و فرزند تازگی ندارد، این اختلاف اختلافی است که همیشه در تمام ادوار و در تمام جهان بین دو نسل وجود داشته و دارد

و خواهد داشت و گریزی از آن نیست اما پدر و مادر که سالمندتر، جهان دیده تر و پرتجربه تر هستند باید با آنها کنار بیایند چه عیبی دارد که من مادر که دارای طرز تفکری قدیمی تر هستم در بحث و گفتگوی بین دو فرزندم که لااقل بیست سال از من جوان تر هستند دخالت نکنم و اگر هم اوضاع و احوال طوری پیش آمد که ناچار به مداخله شدم روی افکار قدیمی خودم تعصب به خرج ندهم و با آنها همفکری کنم بنظر ما بهتر است که پدر و مادرها که نمیتوانند خود را عوض کنند تا حدودی که امکان دارد خود را با اوضاع روز منطبق کنند و واقعیت ها را قبول کنند نه این که بگویند باید چنین یا چنان باشد زیرا واقعیت با باید فرق بسیار دارد، و اما نوجوانان هم باید پدر و مادر را احترام بگذارند و اگر در مواردی با آنها همفکری ندارند خشونت و بی احترامی و مسخره نکنند با بیانی لطیف و دلنشین نظرات خود را بر پدر و مادر تحمیل کنند که لطف بیان سنگینی تحمیل را از بین ببرد.

دعای خانگی

آقای مرتضی شهابی نژاد ساکن بندر پهلوی نوشته است مشکل بزرگ من با مادرم این است که او سواد ندارد و چون سواد ندارد طبعاً قوه تشخیص و تجزیه و تحلیل مسائل گوناگون و حتی مسائل مربوط به روابط خودش با من و خواهرم را هم ندارد و دائم

در خانه مسئله آفرینی می‌کند با من و خواهرم دعوا می‌کند، بهانه‌جویی می‌کند و وقتی می‌بیند که ما با پدرمان که مردی باسواد و تحصیل‌کرده است بحث می‌کنیم و حرف‌های او را قبول داریم بیشتر ناراحت می‌شود و می‌گوید چون پدرتان را بیشتر از من دوست دارید گفته‌های او را قبول دارید و با این حرف‌هایش دائم مثل سوهان روح‌مارا می‌آزارد در صورتی که ما واقعا او را دوست داریم او برای ما محترم است اگر بیش از پدرمان دوستش نداشته باشیم کمتر از او دوستش نداریم اما دوست داشتن نباید مانع از تجزیه و تحلیل امور و بیان واقعیت‌ها باشد شما ارائه طریق کنید که ما با او به چه نحو رفتار کنیم تا بگویم‌گوا پیش نیاید و او رنجیده - خاطر نگردد .

فرزند عزیز متن نامه حکایت از آن دارد که پسر فهمیده‌ای هستید مطالعه نامه همراه طرح مشکل مرا متعجب کرد که شما که شخصی فرزانه و عاقل هستید و مسائل گوناگون را به راحتی تجزیه و تحلیل می‌کنید باید توجه داشته باشید که عیب هر کس را به او بگوئید خوش نمی‌آید حتی واقعیت‌ها را در همه موارد نباید بی‌پرده و عریان گفت همه کس تاب شنیدن عیوب خود را ندارد و به ندرت اشخاصی یافت میشوند که از شنیدن عیوب خود خوشحال میشوند و درصدد رفع آن برمی‌آیند همان‌طور که هر طفلی دوا را

نمی‌خورد بعضی بچه‌ها خوش‌دوا هستند و دوا هر قدر تلخ و بدطعم باشد می‌خورند اما به آن گروه از بچه‌هایی که دوا نمی‌خورند در موقع لزوم نمیتوان از خوردن دوا به آنها خودداری کرد و طفل بیمار را به خیال خودش گذاشت برای مواجه با چنین طفلی است که قرص‌های تلخ را با روکشی از شیرینی می‌پوشانند که تلخی آن را احساس نکند شما هم کلامی را که حاکی از انتقاد و عیب‌جویی مادران است و لازم میدانید که به او بگوئید آن را در لفافه‌ای از حرمت و احترام و با بیانی شیرین همراه کنید تا موجبات رنجش او را فراهم نسازد و بطور کلی با او از مسایلی صحبت کنید که مورد پسند و دلخواه او باشد و از بحث‌هایی که دور از قدرت و توان درک وی است خودداری کنید و یا لاقابل‌بخط‌ر رضای خاطر او گهگاه سخن‌های ناوارد او را ناشنیده بگیرید، در بحث کوتاه بیایید و گفته‌های او را تائید مصلحتی کنید تا موجبات آزرده‌گی خاطر او فراهم نشود زیرا او هم مادر است توقع دارد همان‌گونه که با پدرتان در صفا و سلامت بحث می‌کنید با او هم همین کار را بکنید .

دختر خودخواه و عصبانی

خانم پوران - س مقیم تهران نوشته است فقط یک فرزند دختر دارم او هم بقدری خودخواه و عصبانی است که نمی‌توان با او از هیچ دری صحبت کرد خانه برای او مثل

یک مهمانخانه می ماند صبحانه اش را می خورد
می رود و شب برای شام خوردن برمی گردد
نسبت به همه چیز منزل بی تفاوت است آیا
میتوان به طریقی او را به راه آورد ؟

خانم مجترم این فرزندی که از او ناله
دارید دست پرورده خود شماست با این که
هر موجودی از بدو خلقت دارای خصوصیات
منحصر به خود است اما دارای عواطف ،
احساسات و امیالی هم هست شما شاید از روز

اول بنا را کج نهاده اید ، مرقوم نداشته اید
که فرزند شما در چه سن و سالی است اما
بطوری که یادآور شده اید که صبح می رود شب
برای شام به منزل بازمی گردد قاعدتا باید
سن و سالی از او گذشته باشد اگر کار می کند
شاید کارش زیاد است و به او مجالی برای
دخالت در امور منزل را نمی دهد به هر حال
نامه شما گنگ است مشخصات کامل ایشان را
مرقوم دارید تا بتوان با داشتن معلومات
کافی راه حل مجهول را پیدا کرد .

